

پیامبر وهابیت

جایگاه پیامبر اسلام(ص) در دیدگاه وهابیت

● سید مجتبیٰ عصیری

وهابیت همواره به عنوان یک پدیدهٔ دینی متفاوت با عقاید قاطبهٔ مسلمانان ظهور داشته است و در سایه ترویج چنین عقایدی است که بدبینی برخی نسبت به آموزه‌های اصیل اسلام و شخصیت‌های بی‌بدیل آن، پدیدار گشته است.

در حقیقت این عقاید ارتباط چندانی به اهل سنت نیز ندارد، زیرا در بسیاری از این نوشتارها به کلمات کسانی همچون ابن تیمیه استشهد می‌شود که در دیدگاه اهل سنت نیز دارای جایگاه مناسبی نمی‌باشند، خصوصاً که اولین منتقدان افکار وهابیت، اهل سنت بوده‌اند. آنچه در این نوشتار می‌آید بخشی از معتقدات خاصی است که وهابیت دربارهٔ پیامبر اسلام ابراز نموده است و شگفتی این است که همواره و در همه جا بر این عقاید خاص اصرار می‌ورزد و به تبلیغ و نشر آن می‌پردازد. باورهایی که در صورت التزام حقیقی به آن، نتایج بسیار آسفباری خواهد داشت. مقدس‌ترین شخصیت نزد مسلمانان، شخصیت پیامبر اکرم(ص) می‌باشد که خداوند بوسیلهٔ او کامل‌ترین دین خویش را برای هدایت همه انسان‌ها فرستاده است و کامل‌ترین مخلوق خداوند نیز می‌باشد، لکن نگاه وهابیت به این شخصیت عظیم فاصله فراوانی با دیدگاه مسلمانان پیدا کرده است که در سطور آینده بدان خواهیم پرداخت.

لازم به ذکر است که اولاً در برخی از نقل قول‌ها به آدرس سایت‌های اینترنتی

اشاره شده است و سبب آن این نکته است که هنوز مطالب آن سایت‌ها در قالب کتاب در نیامده است تا به کتاب مربوطه ارجاع شود، لکن در استناد و انتساب این سایت‌ها به وهابیت هیچ تردیدی وجود ندارد.

ثانیاً غرض نگارنده بر توصیف و گزارش باورهای وهابیت بوده است و به نقد این سخنان نپرداخته است، زیرا بطلان برخی از این گفتارها کاملاً آشکار است و برخی دیگر نیز نیازمند پژوهش مستقل می‌باشد که از هدف اصلی این نگاشته، خارج است.

در این مجال بر آن شدیم تا پیامبر اکرم(ص) را از منظر وهابیت، بهتر بشناسیم تا جایگاه و منزلت فخر بشر و سید رُسل نیز نزد این قوم مشخص گردد

پیامبر اکرم(ص) می‌باشد که خداوند بوسیله او کامل‌ترین دین خویش را برای هدایت همه انسان‌ها فرستاده است و کامل‌ترین مخلوق خداوند نیز می‌باشد، لکن نگاه وهابیت به این شخصیت عظیم فاصله فراوانی با دیدگاه مسلمانان پیدا کرده است.

و در منشأ این سخنان که برگرفته از روایات و کتاب‌های مشهور به صحاح سته (شش‌گانه) اهل سنت است، لختی بیندیشیم. در سخنان

آنان، شخصیت و قداست رسول خدا(ص) مورد هتک و هجوم قرار گرفته و تا حدّ و اندازه شخصی هوسران، فراموشکار، نا آشنا با امور دنیا، بی‌عدالت در مورد همسران خود، سحر شده و... تنزل یافته است.

این در حالی است که با اندک تأملی در آیات، روایات و به حکم عقل و تاریخ روشن می‌شود که این همه دروغی بیش نیست و حاکمان وقت برای توجیه اعمال زشت و خلاف خود، همچون غصب خلافت الهی و سوار شدن برگرده مردم، باج‌های کلان به جیب راویان دین‌فروش ریخته‌اند تا شاید از این رهگذر بتوانند اندکی خود را موجه جلوه دهند.

فتاوا و دیدگاه‌های وهابیت

آنچه در ذیل می‌آید، تنها آن بخش از اهانت‌هایی است که در سال‌های اخیر از سوی علمای وهابیت عنوان شده و برای رعایت اختصار، از آوردن روایات و مستندات این سخنان که روایاتی از صحیح بخاری و مسلم است، خودداری می‌کنیم.

۱. فتاوی توهین آمیز وهابیت به مقام شامخ پیامبر اکرم (ص)

بنیان اعتقادی و مبانی فکری وهابیت برگرفته از آموزه‌های تند و رادیکالیسمی است که ابن تیمیه (م ۷۲۸ ق) آن را در قرن هفتم هجری پایه نهاد و چهار قرن پس از وی با پیمانی تاریخی که میان محمد بن عبد الوهاب (م ۱۲۰۵ ق) و حاکمان وقت آل سعود بسته شد، روند افراطی‌گری تشدید گردید و نهایتاً در سال ۱۳۴۴ ق،/بن بلیهد - یکی از علمای وهابی حجاز - فتوایی صادر کرد و پانزده تن از علمای دیگر شهر مدینه نیز حمایت کردند. طی این فتوا، فرمان به تخریب آثار و شعائر اسلامی سرزمین وحی داده شد و زمینه صدور فتاوی بعدی مفتیان افراطی وهابی در تکفیر و کشتار شیعیان فراهم گردید که این داستان تا امروز ادامه داشته است.^{۲۱}

۲۱. مرحوم علامه محمد جواد بلاغي در کتاب الرد علی الوهابیة مي نويسد: «در برخي روزنامه‌ها (روزنامه أم القرى شماره ۶۹، تاريخ ۱۷ شوال ۱۳۴۴ ق) آمده بود: در ماه مبارک رمضان، شيخ عبدالله بن بليهد - قاضي القضاة وهابي حجاز - شهر مکه را به قصد مدینه منوره ترک گفت. وي در جمع علمای شهر مدینه درباره مسائل مختلفي به گفتگو پرداخت و در پایان، نظر آنان را درباره متني که موضوع آن از قرار زیر است، خواستار شد:

بسم الله الرحمن الرحيم. نظر و فتوای علمای شهر مدینه منوره - که خداوند فهم و علم آنان را افزون نماید - در مورد ساخت بنا بر فراز قبرها و مسجد قرار دادن آن اماکن چیست؟ و اگر چنین اقدامی جایز نیست و این اقدام عملی ممنوع و مورد نهي شدید است، آیا می‌توان از نیاز گزاردن در این گونه اماکن ممانعت و آنجا را تخریب نمود؟ آیا اگر چنین بنایی در جاهایی همچون قبرستان بقیع مانع بهره‌برداری از زمین‌های موجود در آن گردد، باید نیاز خواندن در این گونه اماکن منع گردد و ساختمان تخریب گردد؟ و آیا در چنین صورتی این کار به عنوان غصب به شمار می‌آید و لازم است که غصب صورت گرفته، برطرف گردد؟ چون در این صورت به صاحبان حق، ظلم روا داشته شده و از آنچه استحقاق آن را داشته، منع گردیده‌اند. آیا کارهایی که افرادی جاهل در کنار ضریح‌های موجود در قبرستان بقیع انجام می‌دهند از قبیل دست کشیدن به ضریح، دعا کردن، انجام نذورات و روشن کردن چراغ در آن مکان جایز می‌باشد؟ آیا کارهایی که در کنار حجره پیامبر گرامی اسلام (ص) صورت می‌گیرد از قبیل روکردن به آن مکان به هنگام دعا و غیر دعا، طواف کردن به دور آن، بوسیدن و دست کشیدن به آن مکان چه حکمی دارد؟ و یا آیا آنچه در مسجد نبوی صورت می‌گیرد از قبیل درخواست رحمت و یا ذکر گفتن بین اذان و اقامه قبل از فجر و یا روز جمعه جایز می‌باشد؟

خداوند به شما خیر عطا فرماید! در موارد فوق فتوای خود را به همراه دلایل مورد استناد خود بیان فرمایید. امیدوارم در موضوعات علمی همچنان ملجأ و پناه عموم مردم باشید».

اما جوابی که از سوی علمای مدینه به سؤالات فوق داده شد، از این قرار است:

از همان زمان بود که وهابیان پس از اشغال شهر مکه، به مدینه روی آوردند و پس از محاصره و جنگ با مدافعان شهر، آن را اشغال کردند و قبور ائمه بقیع و دیگر قبور همچون قبر ابراهیم فرزند پیامبر و همسران آن حضرت، قبر ام البنین مادر حضرت عباس، قُبّه عبدالله پدر پیامبر، اسماعیل فرزند امام جعفر صادق (ع) و قُبّه همه صحابه و تابعین را بدون استثنا خراب کردند.^{۲۲}

«همه علما بر این مطلب اجماع دارند که بنا کردن ساختمان به روی قبور ممنوع است؛ چرا که احادیث صحیح السندی در منع چنین کاری وارد شده‌اند و گروه زیادی از علما به وجوب تخریب چنین اماکنی فتوا داده و فتوای خویش را به روایتی از علی (رضی الله عنه) مستند دانسته‌اند که خطاب به ابوالهتاج گفته است: «ألا أبعثك علی ما بعثني علیه رسول الله صلی الله علیه وسلّم، أن لا تدع تمثالاً إلا طمسته، ولا قبراً مشرفاً إلا سويته؛ آیا تو را برای کاری که پیامبر اکرم (ص) مرا برای انجام آن مأمور ساخت، اعزام نکنم؟ پیامبر (ص) به من امر فرمود: هیچ تمثالی را به جای مگذار و همه آنها را از بین ببر! هر قبری را که از زمین برآمده، با زمین هم سطح کن!» این حدیث را مسلم روایت نموده است. «همچنین مسجد قرار دادن قبور، نمازگزاردن و روشن کردن چراغ در آن اماکن، مطلقاً ممنوع می‌باشد و علت آن هم حدیثی است که ابن عباس روایت کرده است: «لعن رسول الله زائرات القبور، والمتخذين عليها المساجد والسرج؛ پیامبر گرامی (ص) زائران قبور و کسانی را که بر فراز قبور چراغ روشن می‌نمایند، لعن فرموده است». این روایت را صاحبان سنن روایت نموده‌اند. همچنین برخی رفتارها که از مشتی افراد جاهل در کنار ضریح‌ها سر می‌زند از قبیل دست کشیدن به ضریح، انجام قربانی و نذورات به منظور تقرب جستن به سوی آنها و نیز دعا کردن برای نزدیکان و اعضای خانواده خویش در آن مکان، اعمالی حرام و از نظر شرعی ممنوع می‌باشد که به هیچ وجه انجام آنها جایز نمی‌باشد. همچنین بهتر است از روکردن به سوی حجره پیامبر (ص) و دعا نمودن در آن مکان نیز خودداری شود؛ چرا که بهترین مکان برای توجّه و روکردن به سوی آن، جهت قبله است، اما طواف نمودن گِرد حجره پیامبر (ص) و دست کشیدن به آن و بوسیدن آن مطلقاً ممنوع می‌باشد؛ همچنین ذکر گفتن و درود و صلوات فرستادن در اوقات مذکور ممنوع می‌باشد چنان‌که این موارد در احادیث روایت شده است. این تمام آن چیزی بود که در محدوده علم ناقص ما می‌گنجید».

متن فوق با امضای ۱۵ تن از علمای شهر مدینه منوره مَهر گردیده است. آن‌گاه همان روزنامه (ام القری) در حاشیه خبر فوق آورده است: «دستگاه‌های حکومتی به زودی احکام دینی را به اجرا خواهند گذارد، خواه مردم، خوش بدارند یا ندارند!»

۲۲. به عنوان مثال، به این موارد می‌توان اشاره کرد:

الف) تخریب آثار بزرگان در شهر مکه: در سال ۱۲۱۸ ق پس از تسلط وهابیان بر شهر مکه مکرمه، تمام آثار بزرگان از جمله قُبّه زادگاه پیامبر گرامی (ص) در «مُعَلّی»، قُبّه زادگاه علی بن ابی طالب (ع)، قُبّه زادگاه حضرت خدیجه (س)، آثار باستانی اطراف خانه خدا، آثار باستانی باقی‌مانده بر روی چاه زمزم و نیز بسیاری از آثار صالحان را که یادمانی از عهد نبوی (ص) بود، نابود کردند و هنگام تخریب به نواختن طبل و رقص و آواز خوانی مشغول گردیدند. (ر. ک: کشف الارتیاب، علامه سید محسن امین، ص ۲۷، به نقل از تاریخ «الجبرتی»).

۲. فتوای هیئت عالی افتای عربستان در عدم جواز اهدای ثواب به پیامبر(ص)

شأن، مقام و جایگاه رسول خدا نزد بزرگان وهابیت تا بدان جاست که هیئت دائمی إفتاء در عربستان سعودی که متشکل از چند تن از بزرگترین علما و مفتیان اعظم آن سرزمین است، در فتوایی چنین حکم داده‌اند: «اهدا ثواب و ختم قرآن برای رسول گرامی جایز نمی‌باشد، چون اصحاب پیامبر و دیگران چنین

ب) تبدیل خانه ام المؤمنین خدیجه کبرا به دستشویی و توالت: رفاعی، یکی از علمای بزرگ اهل سنت کویت، خطاب به علمای وهابی عربستان می‌نویسد: «رَضِيتُمْ وَلَمْ تُعَارِضُوا هَذَا بَيْتَ السَّيِّدَةِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَبِيبَةِ الْأُولَى لِرَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَلَمْ يَكُنْ الَّذِي هُوَ مُهْبِطُ الْوَحْيِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ مِنْ رَبِّ الْعِزَّةِ وَالْجَلَالِ، وَسَكَنْتُمْ عَلَى هَذَا الْهَدْمِ رَاضِينَ أَنْ يَكُونَ الْمَكَانُ بَعْدَ هَدْمِهِ دُورَاتٍ وَمِيَاةٍ وَبُيُوتٍ خَلَاءٍ وَمِيَصَاتٍ، فَأَيْنَ الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ؟ وَأَيْنَ الْحَيَاءُ مِنْ رَسُولِهِ الْكَرِيمِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ؟» «شما به تخریب خانه ام المؤمنین خدیجه کبرا اولین حبیبه پیامبر(ص) رضایت دادید و هیچ عکس العملی از خود نشان ندادید، با اینکه آن مکان، محل نزول وحی قرآن بود و در برابر این جنایت سکوت انتخاب کردید و رضایت دادید که آن مکان مقدس به دستشویی و توالت مبدل شود. چرا از خدا نمی‌ترسید و از پیامبر اکرم(ص) حیا نمی‌کنید؟» (النصيحة لإخواننا علماء نجد، يوسف بن سيد هاشم رفاعي، ص ۵۹، با مقدمه دکتر محمد سعید رمضان البوطي).

ج) تبدیل زادگاه رسول خدا به محل خرید و فروش حیوانات: رفاعی در ادامه می‌نویسد: «حَاقُولْتُمْ وَلَا زَلْتُمْ مُحَاوِلُونَ وَجَعَلْتُمْ ذَابَكُمْ هَذَا الْبَقْعَةَ الْبَاقِيَةَ مِنْ آثَارِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، أَلَا وَهِيَ الْبَقْعَةُ الشَّرِيفَةُ الَّتِي وُلِدَ فِيهَا، الَّتِي هُدِمَتْ، ثُمَّ جُعِلَتْ سُوقًا لِلْبَهَائِمِ، ثُمَّ حَوَّلَهَا بِالْحِيلَةِ الصَّالِحُونَ إِلَى مَكْتَبَةٍ هِيَ مَكْتَبَةُ مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ» ؛ زادگاه رسول اکرم(ص) را ویران و به محل خرید و فروش حیوانات تبدیل کردید که با تلاش افراد صالح و خیر، از چنگال وهابی‌ها در آمد و به کتابخانه مکه مکرمه مبدل گردید... (النصيحة لإخواننا علماء نجد، يوسف بن سيد هاشم رفاعي، ص ۶۰).

د) تخریب کتابخانه بزرگ مکه مکرمه: یکی دیگر از جنایات دردناکی که وهابیت انجام داد و لکه ننگ آن تا ابد در پرونده سیاه آنان باقی ماند، آتش زدن کتابخانه بزرگ «المكتبة العربية» بود که مشتمل بر بیش از شصت هزار عنوان کتاب گران‌قدر و کم‌نظیر و بیش از چهل هزار نسخه خطی بی‌نظیر بود که در میان آنها برخی از آثار خطی دوران جاهلیت، یهودیت، کفار قریش و همچنین آثار خطی امیر المؤمنین علی(ع)، ابوبکر، عمر، خالد بن ولید، طارق بن زیاد و برخی دیگر از صحابه پیامبر گرامی اسلام(ص) و قرآن کریم به خط عبد الله بن مسعود وجود داشت.

همچنین در این کتابخانه انواع اسلحه‌های متعلق به رسول خدا(ص) و نیز بت‌هایی همچون «لات»، «عزی»، «مناة» و «هبل» که هنگام ظهور اسلام مورد پرستش بودند، به بهانه وجود کفریات به آتش کشیده شدند. (ر.ک: تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۱۵۸؛ کشف الارتیاب، ص ۵۵، ۱۸۷، ۳۲۴؛ أعيان الشيعة، ج ۲، ص ۷؛ الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۱، ص ۸۱؛ آل سعود من أين إلى أين، ص ۴۷).

کاری نکرده‌اند»^{۲۳}

۳. فتوای هیئت عالی افتای عربستان در عدم جواز صلوات بر پیامبر (ص) قبل و بعد از اذان

هیئت دائم افتای سعودی در پاسخ به سؤالی درباره درود و تحیت بر پیامبر اکرم (ص) فتوا می‌دهد:

درود و صلوات بر پیامبر، چه قبل و چه بعد از اذان، از بدعت‌هایی است که در دین ایجاد شده است»^{۲۴}.

۴. فتوای بن باز در عدم جواز جشن میلاد رسول اکرم (ص)

بن باز مفتی اعظم سابق سعودی می‌نویسد:

مراسم میلاد پیامبر اکرم جایز نیست؛ چون این عمل به سبب عدم انجام آن از سوی آن حضرت، خلفای راشدین، صحابه و دیگر تابعین، بدعت در دین به شمار می‌رود»^{۲۵}.

زینی دحلان، مفتی مکه مکرمه، می‌نویسد:

«وهابی‌ها از درود فرستان به پیامبر گرامی (ص) بر روی منابر و پس از اذان، ممانعت می‌کردند. مرد صالح نابینایی را که اذان می‌گفت و پس از



۲۳. «لا يجوز إهداء الثواب للرسول صلى الله عليه وسلم، لا ختم القرآن ولا غيره، لأن السلف الصالح من الصحابة رضی الله عنهم، ومن بعدهم، لم يفعلوا ذلك».

فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، ج ۳، ص ۴۸۱، فتاوی شماره ۴.

<http://forum.hawahome.com/t۳۱۳۴۰۱.html>

فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، المجلد التاسع (۷۱ من ۱۱۴)، ثواب القراءة للمیت، السؤال الثالث من الفتوی، رقم ۲۲۳۲، اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، عضو/ عبد الله بن غديان، نائب الرئيس/ عبد الرازق عفيفي، رئيس اللجنة/ عبد العزيز بن عبد الله بن باز، السؤال الثالث من الفتوی رقم ۲۶۳۴.

<http://www.al-eman.com/Feqh/viewchp.asp?CID=۷۱&CID=۷۱&CID=۷۱>

۲۴. «ذكرُ الصلاة والسلام على الرسول صلى الله عليه وسلم قبل الأذان، وهكذا الجهرُ بها بعد الأذان، مع الأذان، من البدع المحدثه في الدين». فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، ج ۲، ص ۵۰۱، فتاوی شماره ۶.

۲۵. «لا يجوز الاحتفال بمولد الرسول صلى الله عليه وسلم ولا غيره؛ لأن ذلك من البدع المحدثه في الدين، لأن الرسول لم يفعله ولا خلفاؤه الراشدون ولا غيرهم من الصحابة ولا التابعون لهم بإحسان في القرون المفضلة». مجموع فتاوی و مقالات متنوعة، ج ۱، ص ۱۸۳؛ فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، ج ۳، ص ۱۸.

اذان به رسول اکرم(ص) صلوات می‌فرستاد، نزد محمد بن عبد الوهاب آوردند. وی دستور داد مؤذن نابینا را به جرم درود بر حضرت بکشند. اگر بنا باشد، این قبیل کارهای زشت وهابی‌ها را بنویسم، کاغذها سیاه و دفترها پُر خواهد شد.^{۲۶}

۵. فتوا به عدم جواز زیارت قبر پیامبر، سلام و دعا نزد قبر شریف

شیخ صالح فوزان عضو هیئت افتای سعودی فتوا داده است:
رفت و آمد زیاد به کنار قبر رسول اکرم(ص)، نشستن در آنجا، سلام دادن به حضرت و همچنین دعا کردن به این نیت که شاید در آنجا به اجابت برسد، از بدعت‌ها به شمار می‌آید.^{۲۷}

۶. فتوای شاگرد ابن تیمیه در تخریب مساجد بر فراز قبور

إصرار و پافشاری بر تخریب آثار و نشانه‌های حرم نبوی تا جایی پیش رفت که در ابتدای امر، ابن قیم جوزیه، شاگرد ابن تیمیه و مروج افکار وی، مسجد نبوی را به مسجد ضیاع تشبیه نمود و خواستار تخریب آن و دیگر مساجدی که در آن قبور انبیا و اولیای الهی مدفون است، گردید.

وی در کتاب خود می‌نویسد:

تخریب مسجد ضیاع از سوی پیامبر دلیلی است بر این مطلب که مساجدی که در آنها قبر وجود دارد، فاسدتر از مسجد ضیاع هستند. حکم اسلام درباره

۲۶. «وَيَمْنَعُونَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمَنَابِرِ، بَعْدَ الْأَذَانِ؛ حَتَّى أَنْ رَجُلًا صَالِحًا كَانَ أَعْمَى، وَكَانَ مُؤَذِّنًا وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْدَ الْأَذَانِ، بَعْدَ أَنْ كَانَ الْمَنْعُ مِنْهُمْ، فَأَتَوْا بِهِ إِلَى ابْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ فَأَمَرَهُ أَنْ يَقْتَلَ فَقَتَلَ، وَلَوْ تَبَعْتُ لَكَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَهُ مِنْ أَمْثَالِ ذَلِكَ، لُمِلَّاتِ الدَّفَائِرِ وَالْأَوْرَاقِ». فتنه الوهابيه، احمد زيني دحلان، ص ۲۰.

تفصیل بیشتر درباره این گونه جنایات وهابیت را در کتاب شاخ شیطان در رد فرقه ضالّه وهابیت از همین نویسنده جویا شوید.

۲۷. «من البدع التي تقع عند قببة الرسول صلى الله عليه وسلم كثرة التردد عليه، كلما دخل المسجد ذهب يُسلم عليه، وكذلك الجلوس عنده، ومن البدع كذلك، الدعاء عند قبر الرسول صلى الله عليه وسلم أو غيره من القبور، مظنة أن الدعاء عنده يستجاب». مجله الدعوة، شماره ۱۶۱۲، ص ۳۷.

چنین مساجدی آن است که باید تمام آنها با خاک یکسان گردند و این کار از خراب کردن مسجد ضرار ضروری‌تر به نظر می‌رسد.^{۲۸}

۷. فتوای بن باز در تخریب مساجد بر فراز قبور

در دوران اخیر، بن باز - مفتی اعظم اسبق عربستان سعودی (م ۱۴۲۰ ق) - فتوا به وجوب تخریب قبر مطهر پیامبر اکرم (ص) صادر کرد و به جهت ترس از افکار عمومی جهان اسلام، آن را در پوشش لزوم تخریب تمام بقاع و بناهای موجود بر فراز قبور مخفی نمود.^{۲۹} او کسی است که از وی نقل شده همواره می‌گفت: خدا را شاکرم که سی سال امام جماعت مسجد النبی را به عهده داشتیم، اما هر بار که از کنار قبر پیامبر عبور کردم، به وی سلام ندادم؛ چرا که معتقدم او مُرده و از بین رفته است.^{۳۰}

۲۸. «وأبلغ من ذلك أن رسول الله هدم مسجد الضرار، ففي هذا دليل على هدم ما هو أعظم فساداً منه كالمساجد المبنية على القبور، فإن حكم الإسلام فيها أن تهدم كلها حتى تسوى بالأرض، وهي أولى بالهدم من مسجد الضرار! وكذلك القباب التي على القبور يجب هدمها كلها!» إغاثة اللهفان، ابن قيم جوزيه، ج ۱، ص ۲۱۰.

<http://www.aqaed.info/book/60/1000eshkal-04.html>

۲۹. «ما حكم البناء على القبر؟ وما الحكم لو كان البناء مسجداً؟ الجواب: أما البناء على القبور فهو محرم، سواء كان مسجداً أو قبة أو أي بناء، فإنه لا يجوز ذلك... والخلاصة أنه لا يجوز البناء على القبور، لا مسجد ولا غير مسجد ولا قبة، وأن هذا من المحرمات العظيمة، ومن وسائل الشرك فلا يجوز فعل ذلك، وإذا وقع فالواجب على ولاية الأمور إلزائه وهدمه، وألا يبقى على القبور مساجد، ولا قباب؛

سؤال: فتوای شما درباره با ساخت بنا بر فراز قبرها حتی اگر این ساختمان مسجد باشد، چیست؟

پاسخ: ساخت بنا بر فراز قبرها حرام است، چه این بنا مسجد باشد، چه بقعه و یا هر بنای دیگر... و خلاصه آنکه این کار از بزرگ‌ترین محرمات و از جمله وسایل شرک الهی است که انجام آن جایز نمی‌باشد و اگر چنین اقدامی در هر جا اتفاق افتاد، بر حاکمان و رؤسای کشورهای اسلامی واجب است که این مساجد و ساختمان‌ها را با خاک یکسان سازند تا هیچ اثری از این مساجد باقی نماند.

<http://www.binbaz.org.sa/search>

۳۰. «ابن باز الذي نقلوا عنه أنه افتخر بأنه صلى إماماً في المسجد النبوي ثلاثين سنة، وكان يمر من عند قبر النبي ولم يسلم عليه ولا حتى مرة واحدة، لأن النبي رجل جاء ومضى!»

<http://www.aqaed.info/book/60/1000eshkal-04.html>

شاید به همین جهت است که خداوند او را در سنین نوجوانی مبتلا به بیماری چشم و اندکی بعد نابینا گردانید تا حتی از دیدن ظاهر قبر مطهر نبی مکرم اسلام محروم و مصداقی برای این آیه شریفه گردد: (وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي

۸. فتوای البانی بر دیوارکشی مقابل قبر پیامبر

از همه تأسف‌بارتر سخن محمد ناصر الدین البانی است که وی حتی دیده شدن قبر مطهر پیامبر اکرم(ص) را نیز برنتافته و آرزوی تخریب آن را از سال‌ها قبل داشته و چون این عمل تاکنون محقق نگردیده، از دولت عربستان سعودی مصرانه خواسته است که با کشیدن دیواری بلند، مانع دیده شدن قبر آن حضرت گردد. البانی کسی است که نزد وهابیت امروز به بخاری دوران شهرت دارد و تصحیحات وی درباره روایات اهل سنت را مقدم بر دیگر علمای بزرگ رجال می‌داند. وی در کتاب خود تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد^{۳۱} چنین آورده است:

از موارد اسف‌باری که شاهد آن هستیم، گنبد خضرا و بلند مسجد النبی است که بر فراز قبر پیامبر وجود دارد که از قرن‌ها قبل ساخته شده؛ در حالی که سال‌ها قبل می‌بایست تخریب می‌شد... واجب است مسجد نبوی به همان شکل سابق خود برگردد و بین مسجد و قبر پیامبر از طرف شمال تا جنوب دیواری کشیده و به طوری فاصله ایجاد شود که در مسجد نبوی هیچ چیز خلافی که مؤسس مسجد از آن راضی نیست، دیده نشود. اعتقاد دارم اگر دولت سعودی خود را پشتیبان توحید واقعی می‌داند، باید انجام این کار را بر خود واجب بداند و چه کسی برای انجام این کار از آنها شایسته‌تر؟^{۳۲}

۹. دیدگاه محمد بن عبد الوهاب و پیروانش درباره جایگاه پیامبر (ص) بعد از وفات

سید امین در کتاب کشف الارتیاب گفته است:

در کتاب خلاصة الکلام آمده است: محمد بن عبد الوهاب همواره درباره

الْآخِرَةُ أَعْمَى وَ أَضَلُّ سَبِيلًا) «اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا است، در آخرت نیز نابینا و گمراه‌تر است!» (سوره اِسرَاء، آیه ۷۲).

۳۱. لزوم خودداری از عبادت در مساجدی که در آنها قبر وجود دارد.

۳۲. «وما يؤسف له أن هذا البناء قد بني عليه منذ قرون إن لم يكن قد أزيل تلك القبة الخضراء العالية... فالواجب الرجوع بالمسجد النبوي إلى عهده السابق وذلك بالفصل بينه وبين القبر النبوي بحائط يمتد من الشمال إلى الجنوب بحيث أن الداخل إلى المسجد لا يرى فيه أي مخالفة لا ترضى مؤسسه صلى الله عليه وسلم، اعتقد أن هذا من الواجب على الدولة السعودية إذا كانت تريد أن تكون حامية التوحيد حقا... أرجو أن يحقق الله ذلك على يدها ومن أوّل بذلك منها؟» تحذير الساجد من اتخاذ القبور مساجد، ج ۱، ص ۶۸؛ محمد ناصر الدین الألبانی (م ۱۴۲۰ ق)، الطبعة الرابعة، المكتب الإسلامي، بيروت.

رسول گرامی اسلام(ص) می گفت: پیامبر(ص) سخنی را نمی شنود و به همین جهت همواره یکی از پیروان او می گفت: عصای من، بیش از محمد به کار می آید؛ چرا که عصای من برای کشتن ماری به کار می آید، اما محمد مرده، از بین رفته و چیزی نمی شنود که بخواهد نفعی به دیگران برساند.^{۳۳}

۱۰. دیدگاه ابن تیمیه و پیروانش درباره شرک بودن زیارت پیامبر

از دیدگاه ابن تیمیه و پیروانش زیارت قبر نبی مکرم اسلام(ص) نوعی شرک و گمراهی از سوی شیطان به شمار می رود، حتی اگر زیارت به قصد جلب رضای خداوند سبحان و درک ثواب از سوی او صورت گرفته باشد. ابن تیمیه در یکی از نوشته های خود آورده است:

شیطان در مسیر انسان قرار گرفته و اعمال زشتش را نیکو جلوه داده تا وی به زیارت قبر پیامبر رود و چنین کسی با این کار خود شرک ورزیده؛ چرا که رضایت غیر خداوند را جلب کرده است.^{۳۴}

همو در جای دیگر این کار را همچون پرستش بت لات و عزّی دانسته است: «سرچشمه پرستش بت لات، تعظیم و بزرگداشت شخصی صالح است»^{۳۵}؛ یعنی بزرگداشت و احترام قبر پیامبر اکرم(ص) همچون احترام و بزرگداشت بت های لات و عزّی است.

۳۳. «جاء في خلاصة الكلام، ص ۲۳۰: كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابٍ يَقُولُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّهُ طَارِشٌ، وَإِنْ بَعْضُ أَتْبَاعِ هَذَا الشَّيْخِ كَانَ يَقُولُ: عَصَايَ هَذِهِ خَيْرٌ مِنْ مُحَمَّدٍ، لِأَنَّهُ يُنْتَفَعُ بِهَا فِي قَتْلِ الْحَيَّةِ، وَمُحَمَّدٌ قَدْ مَاتَ، وَلَمْ يَبْقَ فِيهِ نَفْعٌ، وَإِنَّمَا هُوَ طَارِشٌ وَمَضَى». هذه هي الوهابية، علامة محمد جواد مغنیه، ص ۷۷، به نقل از كشف الارتباب، ص ۱۲۷، چاپ دوم.

<http://www.aqaed.info/book/۵۰۵/vahhabia-۰۲.html#ind۶>

۳۴. «قد زين الشيطان لكثير من الناس سوء عملهم، واستزهم عن اخلاص الدين لربهم الى أنواع من الشرك، فيقصدون بالسفر والزيارة رضى غير رضى الله، والرغبة الى غيره، ويشدون الرحال الى قبر نبي...». هذه هي الوهابية، علامة محمد جواد مغنیه، ص ۶۳، به نقل از: اقتضاء الصراط المستقيم مخالفة اهل الجحيم، ص ۴۵۷.

<http://www.aqaed.info/book/۵۰۵/vahhabia-۰۲.html>

۳۵. «ان اللات، وهي صنم، كان هب عبادتها تعظيم قبر رجل صالح أي ان تعظيم قبر الرسول يستتبع جعله صنماً تماماً كاللات والعزى». هذه هي الوهابية، علامة محمد جواد مغنیه، ص ۶۴، به نقل از اقتضاء الصراط المستقيم مخالفة اهل الجحيم، ص ۳۳۳.

<http://www.aqaed.info/book/۵۰۵/vahhabia-۰۲.html>

مصیبت بزرگ‌تر آن است که وی در ادامه می‌گوید:

حتّی اگر کسی قصد زیارت قبر رسول خدا را داشته باشد، این کار عین دشمنی با خدا، رسول خدا و دین او است و بدعتی در دین به شمار می‌رود که هرگز خدا اجازه آن را نداده است.^{۳۶}

انگیزه جعل روایات توهین آمیز به پیامبر اکرم(ص)

غرض جاعلان این‌گونه روایات از کاستن شخصیت پیامبر گرامی اسلام تا حد یک انسان عادی، چند چیز می‌تواند باشد:

۱. پایین آوردن اعتبار سخنان والا و ارزشمند پیامبر اکرم(ص) تا با این‌گونه روایات بتوانند بسیاری از سخنان آن حضرت را در بیان حقایق اسلام از اعتبار ساقط کنند.

۲. کسب ارزش و اعتبار لازم برای خلفا، تا بسیاری از قصورات و تقصیراتی که از آنان سر می‌زد، با همین روایات قابل توجیه باشد.

۳. فضیلت‌تراشی برای خلفا، تا بدین شکل بتوانند قداست و مقامی برای آنها کسب کنند.

۴. توجیه اعمال خلاف اخلاق حاکمان اموی که به سبب گرفتاری آنان به هرج و مرج شدید، فساد اخلاقی مفرط، عیاشی، می‌گساری، برگزاری مجالس شب‌نشینی، غنا و خوانندگی رواج فوق‌العاده‌ای پیدا نموده بودند که نمونه‌های روشنی از آن در تاریخ گزارش شده است.

بدیهی است این تناقض‌ها می‌توانست لطمه بزرگی به کیان حکومت آنان وارد سازد. بنابراین لازم بود در این مکتب، احادیثی به پیامبر(ص) نسبت داده شود که رفتار ایشان را در مسئله جانشینی پیامبر توجیه کند و کار آنان را مشروع جلوه دهد تا ایراد و اشکالی بر آنان باقی نماند.

۳۶. «اما اذا قصد الرجل الصلاة عند بعض قبور الانبياء، او بعض الصالحين متبركاً بالصلاة في تلك البقعة فهذا عين المحادة لله ورسوله، والمخالفة لدينه، وابتداء دين لم يأذن الله به». هذه هي الوهابية، علامه محمد جواد مغنیه، ص ۶۴، به نقل از اقتضاء الصراط المستقیم مخالفة اهل الجحیم، ص ۳۴.

۵. توجیه رفتار خلاف شرع سرسلسله حکومت اموی، یعنی معاویه، در از بین بردن نام پیامبر اکرم(ص) که یکی از اهداف مهم، خطرناک و اسلام برانداز وی بود همان گونه که او نیز در صدد محو و نام آن حضرت از اذان بود^{۳۷}.

۶. توجیه بدعت های خلفا، به این گونه که با ساختن این احادیث، اگر از خلفا درباره احکام خداوند، عمل و یا سخنی خلاف شریعت سر زده است و طبق میل خود، آن را کم و زیاد کرده اند و یا بدعتی در دین گذاشته اند، با همین روایات کار آنان را صحیح جلوه دهند. این اقدام همان کاری است که بعدها رنگ علمی به خود گرفت و نام اجتهاد بر آن گذاشته شد و گفتند: اگر در موردی دیدیم که پیامبر(ص) حکمی صادر کرده و آن حکم در قرآن وجود ندارد، معلوم می شود که آن حکم ارتباط با وحی ندارد و از اجتهاد خود پیامبر سر چشمه گرفته است.

۳۷. در ملاقاتی که مغیره بن شعبه با معاویه داشت، مغیره به وی گفت: بنی هاشم دیگر اقتدار خود را از دست داده اند و از ناحیه آنان خطری حکومت تو را تهدید نمی کند. چه بهتر که درمورد آنان سخت گیری نکنی و آنان را مورد بذل و محبت قرار دهی. معاویه پاسخ داد: ابوبکر، عمر و عثمان آمدند و رفتند و از آنان جز نامی نمانده است، ولی هر روز پنج مرتبه فریاد «أشهد أن محمداً رسول الله» به گوش می رسد. «فَأَيُّ عَمَلٍ يَبْقَى مَعَ هَذَا لَا أَمَّ لَكَ؟ لَا وَاللَّهِ إِلَّا دَفَنًا دَفَنًا؟» با این وضع، دیگر چه چیزی برای ما بنی امیه باقی مانده است؟! به خدا سوگند تا نام پیامبر(ص) را دفن نکنم و از زبان ها نیندازم، آرام نخواهم گرفت.

الاخبار الموقفات، الزبير بن بكار، تحقيق سامي مكي العاني (قم، منشورات الشريف الرضي)، ص ۵۷۶؛ مروج الذهب، مسعودي، ج ۳، ص ۴۵۴، شرح حوادث سال ۲۱۲؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد، ج ۵، ص ۱۳۰؛ النصائح الكافية، سيد محمد بن عقیل، ص ۱۲۴.

روزی معاویه همین که صدای مؤذن را که شهادت به رسالت پیامبر گرامی (ص) می داد شنید، با لحنی اعتراض آمیز گفت: «اللَّهُ أَبُوكَ يَا ابْنَ عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ كُنْتَ عَلِيَّ الْهَمَّةِ، مَا رَضِيتَ لِنَفْسِكَ إِلَّا أَنْ يَقْرِنَ إِسْمُكَ بِاسْمِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ آفرین بر تو ای فرزند عبد الله، همت بلندی داشتی! به کمتر از اینکه نامت کنار نام خدا بیاید، رضایت ندادی». شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد، ج ۱۰، ص ۱۰۱.

از این رو، محمد رشید رضا از علمای بزرگ اهل سنت، از یکی از دانشمندان بزرگ غربی چنین نقل قول می کند: «شایسته است مجسمه معاویه را از طلا بسازیم و در میدان پایتخت کشور قرار دهیم». از وی علت این سخن را پرسیدند، پاسخ داد: «لأنه هو الذي حول نظام الحكم الإسلامي عن قاعدته الديمقراطية إلى عصبية الغلب، ولولا ذلك لعم الإسلام العالم كله، ولكننا نحن الألمان وسائر شعوب أوروبا عرباً مسلمين؛ زیرا معاویه بود که نظام حکومت اسلامی را از نظام دموکراسی به نظام استبدادی تبدیل کرد. اگر معاویه این کار را نکرده بود، اسلام سراسر جهان را فرا گرفته بود و مردم آلمان و سایر کشورهای اروپایی همه مسلمانان عرب بودیم». تفسیر المنار، ج ۱۱، ص ۲۶۰؛ الوحي المحمدي، ص ۲۳۲، محمود أبو رية، ص ۱۸۵ و مع رجال الفكر، ج ۱، ص ۲۹۹.

حالا این‌گونه روایات به اصطلاح صحیح اهل سنت را با این کلام امیرمؤمنان در نهج البلاغه درباره رسول خدا(ص) مقایسه کنید:

خداوند از همان زمان که رسول خدا(ص) را از شیر مادر گرفت، بزرگ‌ترین فرشته خویش را با وی همراه و به عنوان پاسبانی از او همراه وی ساخت که در شب و روز پیامبر را به راه‌های بزرگی و بهترین اخلاق راهبری کند.^{۳۸}

این سخن امام مذهب شیعه است و آن سخنان راویان معتبر مکتب خلفا در موضوع مورد بحث ماست. اینک تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. آری، نتیجه رها کردن مکتب اهل بیت(ع) که مفسران واقعی قرآن و صاحبان علوم و معارف الهی هستند، جز این نمی‌تواند باشد.

۳۸. «وَلَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهُ مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيماً أَكْثَمَ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَخَاسِرَ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ لِيَلْهُ وَتَهَارَهُ». نهج البلاغة، خطب الإمام علي (ع)، ج ۲، ص ۱۵۷.

